

کارکردهای زبانی در رمان «مشهور» یگانه رضایی «یهدا»

بر پایه‌ی نظریه‌ی ارتباط کلامی رومن یاکوبسن

الباحثة ساره عبد الحسين احمد ملا آغا

بإشراف أ.د. عقيل عبد الحسين محمد

جامعة بغداد- كلية اللغات- قسم اللغة الفارسية

Language Functions *Mashhur* by Yegane Rezaei

Yehda based on Roman Jakobson's Theory of

Verbal Communication

Sarah AbdulHussain Ahmed

Supervised by

Professor Aqeel AbdulHussein Mohammed

**University of Baghdad, College of Languages, Department
of the Persian language**

الوظائف اللغوية في رواية «مشهور» ليگانه رضایی «یهدا»

وفق نظرية التواصل اللفظي لرومن ياكوبسن

Abstract

The current research project studies the six linguistic functions and the affecting elements of communication in Yeganeh Rezaei Yehda's novel "Mashhour" based on Roman Jakobson's theory of verbal communication. This model presents six roles of language: emotive, conative, referential, metalinguistic, phatic, and poetic, based on the six elements that make up the successful verbal communication process. These elements are: the sender of the message, the receiver, the message, the subject, the symbol, and the communication channel that determine the six functions of language. The researcher works according to the descriptive analytical approach in studying the linguistic functions and elements of communication in the contemporary Iranian novel "Mashhour". This approach requires describing and analyzing the linguistic levels of grammar, semantics, and pragmatics, in addition to analyzing the elements of verbal communication and explaining their roles and the factors that affect these units within the context of the communication process. The study concludes that verbal communication in the novel "Mashhour" is very clear, and that Yehda wrote the novel in the colloquial language, which is why we find accuracy and clarity in expressing the emotions, ideas, and reactions of the characters. Finally, all these grammatical methods and linguistic structures appearing in the said novel reflect the data of those functions and the method of employing them, which promote the merits of this research.

يدرس مشروع البحث الحالي الوظائف اللغوية الست وعناصر الاتصال المؤثرة فيها في رواية "مشهور" للكاتبة يگانه رضايي "يهدا" إستناداً على نظرية التواصل اللفظي لرومان جاكوبسن. يقدم هذا النموذج ستة أدوار للغة: العاطفية والإقناعية والمرجعية، وما وراء اللغوية والانتباهية والأدبية، بالاعتماد على العناصر الستة المكونة لعملية الاتصال اللفظي الناجح وهذه العناصر هي: مرسل الرسالة و المتلقي والرسالة والموضوع والرمز وقناة الاتصال التي تحدد الوظائف الست للغة. يعمل الباحث وفق المنهج الوصفي التحليلي في دراسة الوظائف اللغوية وعناصر الاتصال في الرواية الإيرانية المعاصرة " مشهور " ويتطلب هذا المنهج وصف المستويات اللغوية النحوية والدلالية والتداولية و تحليلها، بالإضافة إلى تحليل عناصر الاتصال اللفظي وشرح أدوارها والعوامل المؤثرة في هذه الوحدات ضمن سياق عملية الاتصال. خلصت الدراسة إلى أن التواصل اللفظي في رواية "مشهور" واضح للغاية، أن (يهدا) كتبت الرواية باللغة العامية المتداولة، لهذا السبب نجد دقة و وضوحاً في بيان العواطف و الأفكار و ردود الأفعال الخاصة بالشخصيات وأخيراً، فإن كل هذه الأساليب النحوية والتركيبات اللغوية الظاهرة في هذا العمل الأدبي تعكس بيانات تلك الوظائف و أسلوب توظيفها مما تزيد من قيمة هذا البحث.

الكلمات المفتاحية: النظرية التواصلية، ياكوبسن، الرسالة، الوظائف الستة، مشهور.

چکیده

پروژه‌ی پژوهش حاضر بر پایه نظریه‌ی ارتباط کلامی رومن یاکوبسن به بررسی کارکردهای ششگانه زبانی و واحدهای ارتباطی مؤثر بر آن‌ها در رمان «مشهور» نوشته یگانه رضایی «یهدا» می‌پردازد. این الگوی جاکوبسنی شش نقش را برای زبان ارائه می‌دهد: نقش عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، فرازبانی، هم‌دلی و ادبی بر اساس شش واحد تشکیل‌دهنده فرایند ارتباط کلامی موفق و این واحدها عبارتند از: فرستنده‌ی پیام، گیرنده، موضوع، رمز و مجرای ارتباطی را که شش عملکرد زبان را مشخص می‌کند. پژوهشگر با رویکرد توصیفی-تحلیلی در مطالعه کارکردهای زبانی و عناصر ارتباطی در این رمان ایرانی معاصر «مشهور» عمل می‌کند و این رویکرد، علاوه بر، تحلیل عناصر ارتباط کلامی و تبیین نقش آن‌ها و عوامل مؤثر بر این واحدها در بستر فرایند ارتباط، نیازمند توصیف و تحلیل سطوح زبانی و کاربردشناختی است. مطالعه به این نتیجه رسید که ارتباط کلامی در رمان «مشهور» به شدت روشن است، زیرا که «یهدا» رمان را به زبان محاوره‌ای سبک عامیانه‌ای نوشته است و به همین دلیل دقت و وضوح را در بیان عواطف، ایده‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها می‌یابیم. سرانجام، تمامی این روش‌های دستوری و ساختارهای زبانی که در این اثر ادبی به چشم می‌خورد، نشان‌دهنده داده‌های آن کارکردها و شیوه به کارگیری آن‌هاست که ارزش این پژوهش را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: نظریه ارتباطی، یاکوبسن، پیام، واحدهای ارتباط، نقش‌های ششگانه، مشهور.

پیشگفتار

بهترین، تأثیرگذارترین و در دسترس‌ترین ابزار برای انتقال اندیشه‌ها و احساسات وشفاف‌سازی خواسته‌ها و آرزوها میان افراد از راه ارتباط کلامی می‌باشد. این پژوهش تحلیل ارتباطات کلامی شخصیت‌ها در رمان «مشهور» و کشف معانی و اهداف در فرایند ارتباطات اجتماعی آن‌ها را وجه همت خود قرار داده، برای رسیدن به معنا و اهداف دقیقی نهفته در پشت سر پاره‌گفتارها و جملات. باید تحلیل ارتباطات کلامی و زبانی با اتکا بر نظریه مشخص، روش علمی، مستدل و سنجیده باشد. بدین منظور، از نظریه ارتباطات کلامی یا فرایند ارتباطی زبانی رومن یاکوبسن که به عنوان یکی از طرح‌ها و مدل‌های معروف در تبیین ارتباطات کلامی است، استفاده شده است. بر طبق این نظریه، گزاره‌های ارتباط زبانی، بر بافت و موقعیت گوینده، مقصد کلام، مقتضای حال مخاطب و سخن، به ترتیب بر عناصر فرستنده، گیرنده و رمزگان استوار است و تمرکز کلام هر کدام از عناصر طبق نقش و کارکرد زبان نیز متفاوت می‌گردد. نقش‌های ارتباط کلامی حاصل از تأکید بر این عناصر است و غالباً بر تلفیقی از نقش‌های ششگانه مورد نظر یاکوبسن؛ اعم از نقش‌ها و کارکردهای عاطفی، فرازبانی، ارجاعی، ترغیبی، هم‌دلی و ادبی مبتنی است. این پژوهش به دلیل اهمیت زبان به طور کلی و اهمیت سبک کلامی بین شخصیات رمان مورد نظر به بررسی اجمالی عوامل سازنده در کنش ارتباط کلامی این شخصیات پرداخته است و کوشیده تا ارتباطات کلامی ایشان را در خلال اتفاقات رمان بر اساس نظریه مذکور، مورد واکاوی قرار دهد و از این چشم انداز، نحوه ارائه پیام، نقش زبان و سرانجام طرح و شاکله‌ای کلی از نقش‌های زبانی آن‌ها را بر اساس نظریه ارتباط یاکوبسن، شناسایی و بررسی نماید. سبب برگزیدن آن رمان به دلیل وجود انواع کارکردهای زبانی بر اساس نظریه یاکوبسن در گفتگوها و ارتباطات کلامی میان افراد این رمان است که بر هدف اصلی زبان یعنی ایجاد ارتباط میان افراد تاکید می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، صورت گرفته است و جایگاه ارتباطات کلامی و شیوه‌های آن را بر طبق نظریه ارتباط کلامی رومن یاکوبسن تبیین و بررسی می‌کند.

پرسش‌های پژوهش

- با توجه به رمان «مشهور»، شخصیت‌ها با چه شیوه‌ها و ابزارهای ارتباطی توانسته‌اند به بهترین شکل ارتباط برقرار کنند؟
- میان ساختار جملات در کلام شخصیت‌های رمان و الگوی ارتباط کلامی یا کوبسن چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بنا بر نظریه ارتباطات زبانی یا کوبسن، از کدام کارکردهای زبانی بیشتر در متون رمان که بر طبق نظریه مذکور تحلیل شده استفاده می‌شود؟

پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه نظریه ارتباطی یا کوبسن چنین استنباط می‌شود که در سه حوزه می‌توان مطالعات پژوهشگران را دسته‌بندی و بررسی کرد؛ دسته نخست در حوزه ادبیات به واکاوی و تفسیر متون ادبی و دینی در برخی از آیات قرآن کریم و آثار مشاهیری مانند فردوسی، سنایی، نظامی، عطار و... می‌پردازد، دسته دوم پژوهش‌هایی که به تطبیق نظریه ارتباطی یا کوبسن با فضای اجتماعی اختصاص می‌یابد و در دسته سوم به تطبیق نظریه در هنر خطاطی و نشانه‌ها و فضای معماری بررسی می‌کند. در ادامه در مورد این نظریه به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده ارائه می‌شود:

- فاروق نعمتی و بهنام فعلی در مقاله (شیوه‌های ارتباط کلامی پیامبران (ع) در سوره مبارکه غافر بر اساس الگوی ارتباط کلامی یا کوبسن) در سال ۱۴۰۱ در فصل‌نامه مطالعات سبک شناختی منتشر کرده‌اند به این نتیجه رسیدند که به علت رسالت اصلی پیامبران (ع) در هدایت انسان‌ها و ویژگی تعلیمی و رهنمودی، سخنان ایشان نمایان می‌شود بدین ترتیب، تمرکز پیام به سوی موضوع است و به همین سبب، نقش ارجاعی زبان نسبت به سایر نقش‌های زبانی در ارتباطات کلامی پیامبران پررنگ‌تر است. علاوه بر این، نقش ترغیبی در ارتباطات کلامی پیامبران هم تجلی می‌یابد به دلیل اینکه جهت‌دار بودن پیام به سوی مخاطب‌گون بودن عبارات چه به راه مستقیم چه غیر مستقیم و با معانی ثانویه، بخش بزرگی از ارتباطات کلامی پیامبران را در دایره کارکرد ترغیبی زبان قرار می‌دهد. افزون بر این دو نقش که ذکر شده است، کارکرد ادبی یا شعری زبان به شدت ظاهر می‌شود به دلیل فصاحت و بلاغت که پیامبران (ع) از آن برخوردارند.

- عباس ناصری طاهری و همکاران، تحقیقی به عنوان (ارجاعات شخصیت‌های فیلم‌ها و برنامه‌های مستند اجتماعی در رمزگان امر به معروف و نهی از منکر رسانه‌ای) که در سال ۱۳۹۷ در رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر کرده‌اند. مساله اصلی در این پژوهش این است که شناخت مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در انتخاب و روایت شخصیت‌ها و مستندهای اجتماعی به هدف اجرای صحیح فرایند امر به معروف و نهی از منکر در رسانه است و برای رسیدن به چنین هدف، پژوهشگران با استفاده از مدل ارتباطی یا کوبسن به بررسی و تحلیل فرایند ارتباطی در رسانه اسلامی پرداخته‌اند و اجزای رسانه با مؤلفه‌های فرضیه امر به معروف و نهی از منکر در کنار یکدیگر توضیح داده‌اند. سرانجام، بر اساس این تحلیل، پژوهشگران توانسته‌اند به مؤلفه‌های مؤثر در انتخاب و روایت شخصیت‌های مستندهای اجتماعی به منظور اجرای صحیح فرایند امر به معروف و نهی از منکر در رسانه پی ببرند.

- سیده آیدا برکاتی و همکاران در پاییز (۱۴۰۱) در پژوهشی به عنوان «بازخوانی نشانه‌های زبان ارتباطی بخشی از کتیبه عمارت قلم‌فرسا در شیراز از منظر نظریه ارتباطی یا کوبسن» چنین بیان کرده‌اند که رابطه بین بررسی یک اثر معماری از لحاظ نشانه‌شناسی و کارکرد ارتباطی زبان وجود دارد از طریق استفاده از معادل‌های نظیر به نظیری از کارکردهای زبانی ششگانه یا کوبسن.

با توجه به تحقیقاتی که قبلاً در مورد بررسی و تحلیل نظریه ارتباط کلامی رومن یا کوبسن در برخی از موضوعات مختلف بوده‌اند، تاکنون اثر مستقلاً با موضوع "بررسی و تحلیل رمان «مشهور» بر طبق نظریه مذکور، وجود نداشته است این امر ما را به سوق داد تا این موضوع را برای تحقیق در مورد آن انتخاب کنیم.

زندگی‌نامه یگانه رضایی «یهدا» و آثار ادبی او

یگانه رضایی ملقب به یهدا، یکی از نویسندگان جوان و معاصر است که در شهر مشهد در ایران زندگی می‌کند. آثار ادبی (یهدا) عبارت است از: رمان‌های مانند، اینجا جهان ما نیست، مشهور، کدخدا، انتظار، آئین مهتاب، گردن آویز، بهار در بیابان و غیره... علاوه بر این، چند داستان کوتاه هم نوشته است مانند داستان مهر ابدی. او آثار خود را به زبان محاوره می‌نویسد و آن‌ها را در گروه‌های فرهنگی در کانال تلگرام و سایت‌های ادبی معتبر منتشر می‌کند.

شخصیت‌های رمان (مشهور)

رمان، یکی از برجسته‌ترین فرم در ادبیات داستانی به حساب می‌آید... که دارای مجموعه‌ای از عناصر اساسی است که متن نمایشی را می‌سازد و این عناصر با یکدیگر مرتبط هستند. شاید مهم‌ترین این عناصر شخصیت‌های رمان باشند که در جریان حوادث نقش مهمی دارند (ر.ک، سلمان، ۲۰۲۳: ۵۱۲). در ذیل شخصیت‌های رمان «مشهور» نشان می‌دهیم:

- ساقی - بازیگر مشهور.
- سیما - دوست و مدیر برنامه ساقی.
- یزدان - مرد حسابی، دوست ساقی.
- مهرشاد - نامزد سیما.

- ونداد - همسر سابق ساقی.
- ساقی کوچک - دختر ساقی و ونداد.
- بانو خانم - مادر ساقی.
- جناب شایسته - پدر ساقی.
- عمو عبدالله - یک بقالی.
- نیوشا- یک دختری که یزدان او را می شناسد.
- نارو - یک دختری قد بلند که یزدان او را می شناسد .
- رحمان خان - یک مردی مسن که ونداد او را می شناسد.

خلاصه ی رمان «مشهور»

رمان «مشهور» در سال ۱۴۰۱ به قلم یگانه رضایی «یهدا» نوشته شده است. (مشهور) یکی از رمان های مدرن با ژانر عاشقانه/ اجتماعی به حساب می آید. روی دادهای آن در یکی از شهرهای ایرانی اتفاق افتاد. این رمان روایت زندگی خصوصی زنی به نام «ساقی» سوپر استاری است که نقل محافل عمومی می شود، لحظاتی که زن رنجور قصه از سر می گذراند وحشتی بی امان از آینده ی سیاهش را برابر نگاهش نقش می زند که در انتهایش راهی به جز تباهی نیست، ساقی تمام تلاشش را می کند تا با کمک دوستانش این دوران را پشت سر گذاشته و دوباره به نقطه ی اوج حرفه اش برسد.

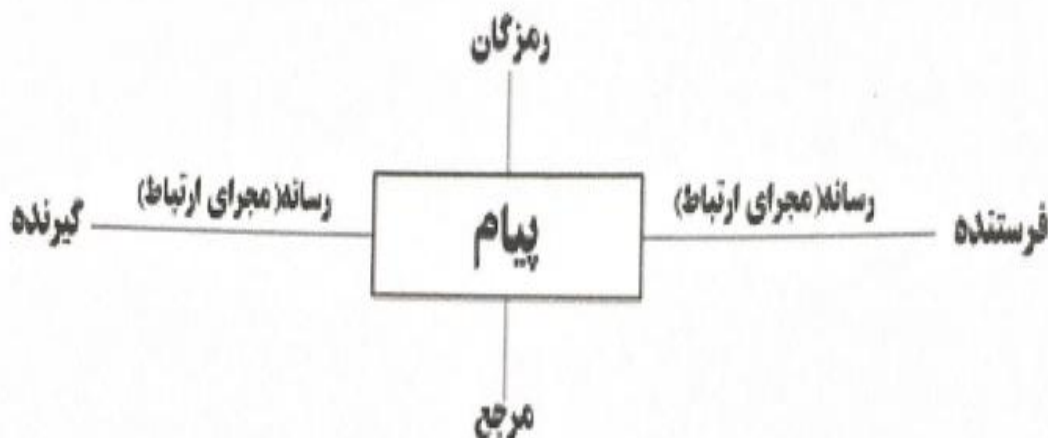
ظهور نظریه ارتباطی

زبان از زمان وجود انسان وجود داشته است: در برقراری ارتباط و بیان خواسته ها و ایده های مختلف جایگزینی برای آن وجود ندارد و همچنین به عنوان دستیار خودکار تفکر به شمار می رود. کاربران زبان از "الفبای زبان محدود اند، ترکیبات زبانی نامحدود برای متون تولید شد" (ر.ک، ملک، ۲۰۲۴: ۷۰) زبان شناسان تقریباً به اتفاق آرا توافق دارند که کارکرد اساسی زبان بیان برقراری ارتباط یا بیان ایده ها است. همانطور که آندره مارتین (۱۹۰۸-۱۹۹۱) اشاره کرد که زبان مؤثرترین ابزاری است که انسان ها را قادر می سازد تا وارد روابط و تعاملات اجتماعی مختلف می شوند. زبان، فعالیت انسانی است که از طریق تمرین بر طبق الگوهای موجود، موقعیت ها و مقتضیات شرایط توسعه می یابد. همچنین، زبان از طریق عادات و روش های گفتاری خود مستقیماً بر روند ارتباط و گزارش دهی تأثیر می گذارد. به همین دلیل، زبان بخش مهمی از فرایندی تبدیل می شود که در آن، فرستنده و گیرنده از طریق محتوای اجتماعی خاصی تعامل دارند که در آن، ایده ها، احساسات، تخیلات و غیره منتقل می شود (ر.ک، زبان، ۲۰۱۶: ۹۰). مطالعات و تحقیقات تخصصی در نظریه ارتباطات در دهی چهل به ویژه در ایالات متحده آمریکا انجام شد، جایی که تحقیقات مختلف در زمینه های متفاوت مانند فیزیک و ریاضیات به تبلور نظریه سیستم های ارتباطی کمک کرد (ر.ک، القاسم، ۲۰۲۱: ۴۸). به طور عمومی می توان گفت که جنگ جهانی دوم در برقراری علوم ارتباطات تأثیرگذار داشته است و به لطف مشارکت ریاضیدانان و مهندسان ارتباطات، بسیاری از مفاهیم و مرزهای نظریه ارتباط به صورت علمی تعریف شده است و انکار ناپذیر است که مهندس **کلود شانون** (۱۹۱۶-۲۰۰۱) ارتباط را از علمی هنوز در حال شکل گیری به علمی که به شدت موجود و مستقل است، که دربردارنده موضوعات متعدد و مفاهیم خاصی تبدیل کرد زمانی طرحی را ارائه کرد که از جعبه های آن عملکردها و نحوه عملکرد کل فرایند ارتباط را خلاصه می کرد. هدف این طرح بهبود کارایی ارتباطات صوتی بود که در تمام اشکال از راه دور انجام می شود با کاهش میزان تلفاتی که طی انتقال اختلال ایجاد می کند و این، مقدار اطلاعات که موجود در خود پیام را از بین می برد که این ضایعه است ربطی به سوء تفاهم ناشی از توانایی های شناختی انسان ندارد بلکه یک مشکل فنی در نتیجه ناسازگاری دستگاه های موجود با الزامات ارتباطی است. ارتباط بر طبق طرح **شانون** یکی از پایه هایی است که نظریه ارتباطات مدرن بر آن استوار است و پس از آن، دیدگاه ها و گرایش های فکری چند برابر شد و ارتباطات در همه زمینه ها مورد توجه بود، بسیاری از حوزه های شناختی مختلف به خود جذب کردند که تقریباً همه محصولات انسانی را شامل می شود. و همه اشکال فرهنگی. که از طریق آن هویت افراد مشخص و منافع آنها آشکار می شود آنچه انسان از طریق زبان، اشیاء، بدن، اشارات و تشریفات خود تولید می کند، در فرایند ارتباطی قرار می گیرد که دارای مظاهر و تجلیات که فرهنگ به عنوان یک کل فرایند دائمی ارتباط است (ر.ک، ذبحاوی و همکار، ۲۰۱۸: ۱۷۲۱). بر اساس آنچه گفته شد برمی آید که زبان شناسی ارتباطی به یکی از شاخه های زبان شناسی اجتماعی و از مهم ترین حوزه های علوم انسانی تبدیل شده است. این ارتباطات زبانی مبتنی بر یک سیستم که سه جانبه دارد چون از فرستنده شروع می شود و آن به عنوان آغازگر ارتباط است. دومین، گیرنده است که آن هدف مستقیم پیام را تلقی می کند و سومین جامعه، و آن به عنوان منبع ارتباط بین طرفین ارتباط و اساس سیستمی است که این فرایند بر آن استوار است (ر.ک، القاسم، ۲۰۲۱: ۴۸). در ذیل به نظریه ارتباطات کلامی **رومن جاکوبسن** اشاره خواهیم کرد.

ارتباط کلامی نزد رومن جاکوبسن:

رومن اوسیپوویچ جاکوبسن را یکی از نظریه پردازان، منتقدان ادبی، زبان شناسان روسی و بنیان گذار زبان شناسی (ساختگرای) پراگ می دانند. او در مقاله ای با عنوان «زبان شناسی و بوطیقا» الگوی ارتباطی و عوامل تشکیل دهنده ی آن را معرفی کرد (ر.ک، برکاتی، ۱۴۰۱: ۳۶). وقتی جاکوبسن

به آثار مهندسان مخابرات، به ویژه «ماکای» و «شانون» نگاه کرد، هیچ مشکلی در سازگاری با مفاهیم و اصطلاحات علمی آن‌ها نیافت. مانند، کد، پیام، کانال، سردرگمی، اطناب ... چراکه چنین اصطلاحاتی در زبان‌شناسی و منطق رایج بود (زبان- گفتار، طرح زبان...) و در این زمینه، یاکوبسن از میزان انطباق کار زبان‌شناسان با دیدگاه مهندسان ارتباطات ابراز خرسندی کرد جایی که تحقیقات هر گروه یکپارچه سازی و تبادل شناختی را شکل می‌گیرد و می‌توان این تأثیر و تأثر را از راه استفاده‌ی مهندسان از ویژگیهای متمایز دوگانه‌ی واج‌شناسی دید (ر.ک، الرکیک، ٢٠٠٥: ٦٨). امروزه نظریه‌ی ارتباطی رومن یاکوبسن یکی از کامل‌ترین طرح‌ها در توضیح ارتباط کلامی است که اهمیت ویژه‌ای در کشف معانی و اهداف در فرایند ارتباطات اجتماعی دارد. فرایند ارتباط کلامی یاکوبسن بر اساس همه‌ی کارکردهای فردی و اجتماعی زبان، معتقد است زبان در فرایند ارتباطی خود غالباً به معنا گرایش دارد. (ر.ک، قاسمی، ١٤٠٠: ٣٥-٣٦). یاکوبسن شش رکن تشکیل‌دهنده در هر گفتگویی را که تعیین‌کننده‌ی نقش‌های زبانی دانسته است، با عنوان نظریه‌ی ارتباطی (communicative theory) ارائه می‌کند. او برای طرح نظریه‌اش، یک مدل ارتباطی بر مبنای نقش‌های متفاوت ارائه کرده است که این الگو شامل کارکردهای عاطفی، ارجاعی، ترغیبی، فرازبانی، ادبی و همدلی است. نظریه‌ی ارتباط زبانی یاکوبسن به این امر اشاره دارد که با صرف نظر از هر موضوع زبانی در فرایند ارتباطی، پیام، محور اصلی ارتباط است. نظریه یاکوبسن، ارائه طرحی کلی از نقش‌های زبان را مستلزم بررسی اجمالی عوامل سازنده‌ی هر تحقق گفتاری، یعنی هر کنش ارتباط کلامی می‌داند. فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد، این پیام برای مؤثر بودن باید به موضوعی اشاره کند؛ موضوع نیز باید برای گیرنده، درک‌پذیر که ممکن است به صورت کلامی ارائه شود یا بتواند در قالب کلام بیان شود. در این میان رمزگانی نیز مورد نیاز است که باید برای فرستنده و گیرنده، شناخته شده باشد. سرانجام به مجرای ارتباطی نیاز است؛ مجرای فیزیکی و پیوندی روانی بین فرستنده و گیرنده‌ی پیام که به هر دو، امکان برقراری ارتباط را می‌دهد. این شش عامل حضورشان در ارتباط کلامی ضروری است. بر اساس این نظریه، گزاره‌های ارتباط زبانی، بسته به موقعیت گوینده، هدف کلام، مقتضای مخاطب و سخن، به ترتیب، بر عناصر فرستنده، مخاطب یا گیرنده و رمزگان استوار است (ر.ک، حمیرانی و همکار، ٢٠٢٤: ٨٥-٨٦). افزون بر این، یاکوبسن معتقد است که در هر پیام ارتباطی یک عنصر غالب وجود دارد که بقیه‌ی عناصر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. منظور از تعریف عنصر غالب ممکن است بگوید: همان جزء کانونی که عنصر غالب و برجسته در هر اثر هنری است. به عبارت دیگر، این عنصر بر همه اجزای اثر سیطره دارد و آن‌ها را تعیین و دگرگون می‌کند. عنصر غالب یعنی، آن عنصر که متضمن یکپارچگی ساختار اثر است. از این گذشته، می‌توان از شکل زیر بیانگر الگوی ارتباطی یاکوبسن تلقی کرد (ر.ک، قاسمی، ١٤٠٠: ٣٦-٣٧):



شکل شماره (٣-٢) الگوی ارتباطی یاکوبسن (همان: ٣٧)

مبانی ارتباطی:

فرستنده (Destinateur): نخستین واحد و منبع اصلی در فرایند ارتباط است. یعنی "کسی که ایجاد ارتباط می‌کند" (ر.ک، نجفی، ١٣٨٤: ٣٩) او باید به زبان مسلط باشد، نوع گفتار را تعیین کند و به مقتضای حال گیرنده را رعایت کند، او محور تولید گفتار در فرایند ارتباطی است و از نشانه‌های زبانی و غیر زبانی برای رسیدن به اهداف و مقاصد خاص خود در یک بافت معین به کار می‌رود و معمولاً فرستنده به مهارت‌های ارتباطی مانند آشنایی با معانی واژه‌ها و ساختار دستوری زبان علاوه بر دارای جزء از فرهنگ و اطلاعات، بهره‌مند می‌باشد و می‌توان گفت که از "الفبای زبان محدود اند، ترکیبات زبانی نامحدود برای متون تولید شد" (ر.ک، ملک، ٢٠٢٤: ٧٠)

گیرنده (destinataire): کسی که فرستنده با او ارتباط پیدا می‌کند، در فرایند ارتباط با او ملاقات می‌کند و تجزیه و تحلیل پیام دریافتی را بر عهده دارد.

پیام (message) که مضمون و درون مایه گفتگو است و شامل مجموعه‌ای از افکار و احساسات است که فرستنده آن‌ها را ارسال می‌کند و می‌تواند به صورت مجموعه‌ای از کلمات (گفتاری یا نوشتاری) یا با زبان بدن تغییر در شکل و فرم اجزای صورت و بدن باشد و از طریق دانش، ارزش‌ها و نشانه‌های آشنا بین دو طرف گفتگو مفهوم شود. دریافت‌کننده‌ی پیام قادر است آن‌ها را تفکیک کند و با تغییر تن و صدا آن را به گیرنده انتقال دهد و در نتیجه هدف از ایجاد ارتباط محقق می‌شود.

بافت (contexte): این شامل همه‌ی احوال گویندگان و شنوندگان است و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانی افراد در همان زمان و مکان مربوط می‌شود. بافت در حقیقت مرجع پیامی است که به آن ارجاع می‌شود و قابل درک نیست مگر با استناد به زمینه‌هایی که در آن مطرح شده باشد.

رمزگان (code): یا رمز، شامل کدها و علامت‌های دربردارنده‌ی پیام است، مانند گفتار، ایما و اشاره و حالت صورت و غیره.

مجرای ارتباطی (canal): ابزاری است که در انتقال پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد. چه زبان، نوشتار یا گفتار باشد یا چه حرکات و نشانه‌ها. آن باید متناسب با ماهیت پیام و قابلیت‌های مخاطب باشد.

هر یک از عناصر شش‌گانه‌ی ارتباط کلامی، موجب ایجاد نقشی خاص در فرایندهای کلامی می‌شود و تمرکز کلام متوجه هر کدام از عناصر کلام می‌باشد. یاکوبسن، کارکرد هر یک از عناصر را به دقت شرح داده و هر کدام را به نام خوانده است. او کارکرد فرستنده را عاطفی، کارکرد زمینه را ارجاعی، کارکرد تماس را همدلی، کارکرد کد را فرازبانی، کارکرد گیرنده را ترغیبی و کارکرد پیام را ادبی نامیده است. دیدگاه ارتباطی یاکوبسن ضمن اینکه بیان می‌دارد، "در هر متنی جهت‌گیری به سوی یکی از عوامل ارتباطی، بسامد بیشتری دارد" (هالیدی و حسن، ۲۰۱۴: ۲۶۷ به نقل از حمیرانی و همکار، ۲۰۲۴: ۸۶). از نظر یاکوبسن جهت‌گیری و تأکید بر روی هر کدام از عناصر این الگوی ارتباطی موجب بروز کارکردهای خاصی در هر فرایند ارتباط کلامی می‌شود. به شکل ذیل توجه کنید.



شکل شماره (۲) ادغام عناصر با کارکردها در فرایند ارتباط زبانی را توضیح می‌دهد.

در ادامه، به ویژگی‌ها و کارکردهای زبانی از نظر یاکوبسن نشان می‌دهیم:

کارکرد عاطفی:

در این کارکرد جهت‌گیری پیام به سوی فرستنده است. این کارکرد بیانگر احساسات مستقیم، شخصی و فردی فرستنده است یا نمایانگر احساس خاص خود نسبت به موضوعی است که درباره‌ی آن سخن می‌گوید و می‌تواند این احساسات واقعی یا تظاهرگونه ارائه کند همانطور که یاکوبسن بخصوص این مساله می‌گوید: "این نقش زبان تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد؛ خواه آن احساس را داشته باشد، خواه وانمود

کند که چنین احساسی را دارد. عبارت‌هایی مانند: «بخشکی شانس»، «آخیش»، «نچ نچ»، «ای وای» و غیره (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۶۶؛ به نقل از نعمتی و همکار ۱۴۰۱: ۱۶۷) و شایان ذکر است، این نقش با نقش ارجاعی در تعارض است. در نقش عاطفی کوشش بر افزودن تنوع‌های معنایی است؛ ولی در نقش ارجاعی جلوی هر نوع چندگانگی معنایی گرفته می‌شود؛ در واقع نقش عاطفی، زبان حال گوینده است که تجلی می‌یابد (ر.ک، همان منبع ۱۴۰۱: ۱۷۳). از آنجا باید اشاره کنیم این کارکرد نیز «کارکرد احساسی» یا «کارکرد ذهنی» نامیده می‌شود زیرا وقتی که گوینده ارتباط برقرار کند، علاوه بر اندیشه‌هایی که دربارهٔ مرجع پیام دارد، گاه ممکن است نگرش خودش را نیز راجع به موضوع پیام ابراز کند. این‌ها تجلی احساسی، شخصیتی و اجتماعی فرد است که فارغ از خصوصیت پیام موضوعیت دارد و به بیان احساسات و حالات درونی خود در مورد این موضوع اشاره می‌کند. (ر.ک، طاهری و همکاران ۱۳۹۷: ۲۲۳). علاوه بر آنچه که گفته شد، می‌توان این کارکرد را در حدیث نفس و شعر غنایی واضح یافت و همچنین در این گونه از کارکرد زبانی اغلب از جملات تعجبی و پرسشی استفاده می‌شود که بالقوه می‌توانند صدق یا کذب باشند و همین از برخی ابزارهای بیانی بهره می‌شود که بیانگر احساسات است، مانند تعجب، ناله، فریادهای هشداردهنده و غیره از عبارات مشابه دیگری که در ارتباط کلامی واضح‌تر از متون نوشتاری باشد ظاهر می‌شود. (ر.ک، حیدره و همکار ۲۰۲۳: ۳۳۸). سرانجام، باید به ویژگی‌های زبان عاطفی اشاره کنیم که نخست این زبان، زبان ادبیات یعنی، زبان ادبی انفسی است که با آن احساسات و عواطف را منتقل می‌کنند و در عین حال انشائی است یعنی چنانکه قبلاً گفتیم، این نوع زبان به لحاظ مطابقت با واقع امر، ذاتاً محتمل صدق و کذب است. و در عین حال این نوع زبان مؤثر تلقی می‌شود و معمولاً با اغراق همراه است و بر یکی از جهت خوب یا بد تکیه دارد و غالباً از دو جنبهٔ ایجاز یا اطناب برخوردار است. (ر.ک، شمیسا ۱۳۹۸: ۲۱۳). برای مثال جملات زیر نمود روشنی دارد:

((حس بلواگر وجودم مرا به مرز ویرانی می‌رساند و رنجی فزاینده را هدیه‌ام می‌کرد؛ اما ایستادگی می‌کردم. چنان سخت و دشوار که هر آن ممکن بود برابر دوربین‌ها از حال بروم. کات رحیمی از خود بیخودم ساخت و با قدم‌هایی بلند و پر سرعت سمت سرویس هجوم بردم.)) (بهدا، ۱۴۰۱: ۴).

نکته قابل توجه در رمان «مشهور»، آغاز آن است؛ رمان با کلمات و جملات تلخ شروع می‌شود که در خود گیرنده‌ی پیام هیجان و کنجکاوی برمی‌انگیزد به منظور آشنایی بیشتر با شرایط، جزئیات و دلایلی که پیرامون گوینده‌ی پیام به تولید این متن منجر شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمرکز پیام در متن بالا بر گوینده است به ویژه احساسات شخصی و احوال درونی او متجلی می‌شود و نیز سخن گفتن او با خود نمود می‌یابد. به عبارت دیگر، نقش زبان در این پیام نقش عاطفی است برای بیان مافی الضمیر و به طور خاص حدیث نفس است، چراکه زبان در این کارکرد به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط تلقی نمی‌شود بلکه از آن برای نشان دادن احساسات و حالت‌های عاطفی گوینده استفاده می‌شود (ر.ک، باقری ۱۳۸۸: ۷۲). هرچند می‌دانیم که در این گونهٔ ادبی به طور کلی فرستنده‌ی حقیقی، نویسنده‌ی رمان است ولی در ارتباط کلامی میان شخصیت‌های رمان و موضع و نگرش آن‌ها نسبت به اتفاقاتی که در رمان رخ می‌دهد شکل می‌گیرد. از این چشم انداز، می‌توان گفت که گوینده غیر مستقیم متن بالا «ساقی» باشد. قهرمان این رمان لحظاتی از آشفتگی درونی و درد شدیدی که او فرا گرفته را، توصیف می‌کند جایی که واژگانی مانند: «بلواگر» این صفت از اسم «بلوا» و تکرار وابسته اشتقاقی «گر» تشکیل می‌شود و به اغراق و مبالغه مصیبت یا فاجعه نشان می‌دهد (ر.ک، دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۴۰). «به مرز ویرانی» این ترکیب اضافی از اسم «مرز» و با مضاف الیه «ویرانی» تشکیل شده است. این عبارت نمایانگر چقدر ساقی دردناک بود. «رنجی فزاینده»؛ واژه «فزاینده» صفت فاعلی است، به معنی درد و رنج افزودن به ساقی هدیه کرد. از آنچه گذشته، این عبارات جنبهٔ عاطفی زبان را تقویت می‌کند. «ساقی» با این همهٔ رنج و جوری ایستادگی می‌ماند و سعی می‌کند به پایداری جلویی دوربین‌ها کارش را بدون نقص انجام بدهد. در این میان، او شروع به حالت از دست دادن کنترل بر خود کرد از راه این پاره‌گفتار نشان می‌دهد: «از حال بروم» این عبارت عامیانه است به معنای توان از دست دادن و از پا افتادن، بیهوش شدن و ضعف کردن (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۶۹). بطور کلی، در این متن جملات خبری رایج‌ترین جملات مورد استفاده است. در نتیجه، کارکرد عاطفی در این متن برجسته و پررنگ به نظر می‌رسد.

کارکرد ادبی:

در این کارکرد ارتباط کلامی و جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است و توجه مخاطب به سراغ شکل پیام بیش‌تر از محتوای آن جلب می‌شود. اگر شکل انتقال پیام بیش‌تر از بار اطلاعی‌اش ارزش داشته باشد، توجه به خود پیام معطوف می‌شود (ر.ک، نعمتی و همکار، ۱۴۰۱: ۱۷۴). در این نقش، زبان به عنوان ابزاری برای ایجاد زیبایی است و گوینده به دلایل مختلف مانند، تاثیر بیش‌تر کلام خود یا مثلاً نشان دادن به فصاحت و بلاغت سخن‌هایش یا غیره به آراستن کلام خود می‌پردازد و سخن خویش را به گونه‌ای آهنگین می‌آراید (ر.ک، باقری، ۱۳۸۸: ۷۳). در این شرایط به نظر مخاطب می‌رسد که پیام مستقیم قابل دریافت نیست و باید از پیچ و خم درک آرایه‌های ادبی، تصویرسازی‌های هنری، تناسب‌های لفظی و معنایی و به طور کلی توازن‌های نحوی، واژگانی و آوایی بگذارد. به بیان دیگر، در این کارکرد توجه ما را به سمت ساختار نحوی، زبان ادبی و الگوهای آوایی نهفته در خود پیام جلب می‌کند و تأکید بر جنبه‌های شاعرانه و زیبایی آفرینی زبان را برجسته می‌کند (ر.ک، نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۷). نویسنده در رمان

«مشهور» برای شفاف‌سازی احساسات و اندیشه‌های شخصیات رمان یا برای تبیین برخی رخدادهای آن از شگردهای ادبی سود برده است به عنوان مثال به متن زیر توجه کنید:

((هنوز همان مرد پراقتداری بود که می‌توانست با نگاهش تمام هست و نیستم را تار و مار کند. -ساقی: "من یه بار به خاطر تو و دوستت از عرش به فرش رسیدم، نمی‌دارم دوباره با خاک یکسانم کنین)) (یهدا، ۱۴۰۱: ۳۲-۳۳).

چندین سال بعد، ساقی به طور اتفاقی با یزدان ملاقات کرد. نویسنده احساس آشفتنی درونی ساقی را توصیف می‌کند که «ساقی» برابر نگاه «یزدان» احساس ضعف، پراکندگی و گمراهی بر او حاکم می‌شود و همه «هست و نیست» یعنی مجموع دارایی کسی است و «مترادف: با هستی و نیستی، بود و نبود، دار و ندار» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۴۷۷). تار و مار می‌کند یعنی «پراکنده کردن، از بین بردن و نابود کردن» است (ر.ک، دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۷۵). این فعل مرکب کنایه از حالت ویرانی، پراکندگی و له کردن ساقی است. به نظر ما می‌رسد که علاوه بر این، ذکر قید زمان «هنوز» یعنی «تا کنون» یا «تا الآن» ساقی به همین قدرتمندی و توانایی این مرد احساس می‌کند و مرد بر خود ساقی از همان تأثیری‌گذار و غافل‌نکنیم که برای تأکید این مطلب، نویسنده‌ی رمان از فعل وجهی «می‌توانست» بهره می‌جوید. در این صورت، فعل معنا و کاربرد اصلی خود را از دست داده است و تنها در ساخت فعل التزامی به عنوان عنصر امکان انجام فعل به کار می‌رود و نظر گوینده را نسبت به این فعل التزامی «تار و مار کند» نشان می‌دهد (ر.ک، طبیب زاده، ۱۳۹۳: ۷۷). و اجمالاً جمله «می‌توانست با نگاهش تمام هست و نیستم را تار و مار کند» جمله‌ای وابسته است که برای توصیف و توضیح جمله‌ی هسته «هنوز همان مرد پراقتداری بود» به کار می‌رود و با حرف ربط «که» به جمله‌ی وابسته مربوط است. افزون بر این، عبارت «از عرش به فرش» همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این دو کلمه «عرش» و «فرش» اسم عام هستند. و از نظر معنایی با یکدیگر تداعی می‌کنند، زیرا اصطلاحاتی چون «عرش را سیر کردن» کنایه از بسیار خشنودی و شادمانی است یا مثلاً «عرش روان» یا عرش رونندگان که کنایه است از انبیا و اولیا (ع) (ر.ک، دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۹۷۶) و غیره در زبان فارسی متداول‌اند، و در متن رمان فوق، به معنای مقام بالا، قدرت، تعالی و اعتبار به کار رفته است. اما کلمه‌ی «فرش»، اصطلاحاتی چون «فرش باستان» یا «فرش خاک» که کنایه از زمین به کار رفته (همان منبع، ۱۳۸۵: ۲۱۰۵) که به تعبیر، از دست دادن موقعیت اجتماعی معتبر و باختن دارایی و پول‌های کسی است نشان می‌دهد. به نظر ما می‌رسد که مفهوم تضاد بین این دو واژه تجلی می‌یابد و این صنعت ادبی به عنوان جناس مضارع در نظر گرفته می‌شود، زیرا در سجع متوازی آغازین صامت‌های این کلمات متفاوت است چه حروف قریب‌المخرج داشته باشند و چه بعید‌المخرج از امثله سجع متوازی محسوب می‌شوند (ر.ک، شمیسا، ۱۳۹۵: ۵۴) و به همین دلیل واژه‌های «تار» و «مار» و «هست» و «نیست» هم جناس مضارع محسوب می‌شوند و از لحاظ آوایی می‌توان گفت که "واج‌های (phoneme) زبان فارسی، نقش مؤثری در شکل‌گیری صورت (واج‌شناسی، آوانویسی) و معنی (مدلول) این زبان ایفا می‌کند" (محمد، ۲۰۱۸: ۵۴۴) که موسیقایی زیبا به جملات اضافه می‌کند و از لحاظ معنا، به وجود جریان مفهومی ژرف را نشان می‌دهد. مثلاً، می‌توان گفت در جمله «از عرش به فرش رسیدم» کنایه از جایگزینی وضعیت خوب و مقام معتبر به مقام پایین که فاقد احترام و قدردانی است. نیز گوینده از وجه اخباری فعل ماضی ساده «رسید» + شناس اول شخص مفرد «-م» در جمله فوق برای بیان وقوع فعل که در گذشته انجام گرفته بدون توجه به دوری و نزدیکی زمان است استفاده می‌کند. در جمله‌ی بعد «ساقی» امتناع خود را اعلام می‌کند و به یزدان و دوستانش اجازه نمی‌دهد که دوباره زندگی شخصی و حرفه‌ی او را خراب کنند. شاهد این امر، این است که فرستنده هدایت‌کننده گفتمان خود به سمت «یزدان» است و با بهره‌گیری از فعل حال منفی «نمی‌دارم» منظور خود را روشن می‌کند. افزون بر این «ساقی» به کار بردن عبارت «با خاک یکسانم کنین» کنایه از باخت و تحقیر را بیان می‌کند. از این گذشته می‌توان گفت که متن بالا از جنبه‌ی ادبی برخوردار است "در خلاف زبان عادی، در شعر یا متن ادبی، عنصر دال، خود واژه و مفهوم صریح آن نسبت بلکه شبکه‌ی دلالت‌های فرعی یا به عبارت دیگر، مفاهیم ضمنی است که به دلیل رابطه‌ی بدیع و ابتکاری بین واژه‌ها به گونه‌ای بارز جلوه‌گر می‌شود" (قویی، ۱۳۸۳: ۸۶). سرانجام متوجه می‌شویم که کارکرد ادبی در متن بالا کارکرد غالب است.

کارکرد همدلی:

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی و ایجاد تماس است. گوینده در این نوع کارکرد زبانی، می‌خواهد اطمینان کند که کانال ارتباطی خود با مخاطب ادامه دارد. اصل این کارکرد، ایجاد تماس و همدلی با مخاطب است (ر.ک، ابویسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۰). کارکرد کلامی در انواع و اقسام ارتباط به گونه‌های مختلفی دیده می‌شود اما هدفی در این ارتباط نیست مگر اینکه برقراری ارتباط احساس همنوایی و یگانگی را به شرکت‌کنندگان دهد. در این کارکرد ارتباطی، حرکت‌های واحدهای تکراری به داستان‌های واحدی تعریف می‌شود. این روند که برای کسانی که در آن مشارکت دارند، مادام که در این همنوایی و همدلی موضوعیت داشته باشند، قابل توجه و جذاب است. در اینجا نیز کارکرد ارجاعی (مربوط به محتوای پیام) حکم ثانوی دارد، زیرا که اساساً جریان ارتباط هدف دیگری را دنبال می‌کند، چنان‌که بسیاری از سخنرانی‌ها و تشریفات سیاسی هدفشان ایجاد وحدت همگانی و همنوایی میان مشارکت‌کنندگان است (ر.ک، طاهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۴-۲۲۵). این کارکرد، برای تعارف، ایجاد تماس لفظی و به اصطلاح (باب سخن را گشودن) نیز به کار می‌رود. از دید یاکوبسن، هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط با ادامه یا قطع برقرار کند، و برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است (ر.ک، نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۶). علاوه بر آنچه گفته شد، این

وظیفه در زمانی برجسته می شود که الگوهای زبانی وجود دارد که نقش های خارج بیشتر از حد خطاب گزارش دهی را ایفا می کند. شرکت کنندگان این نقش های خبری را ارائه می دهند و همچنین از سلامت دستگاه ارتباطی محافظت می کنند که زنجیره ی پیام ها ادامه داشته باشند (ر.ک، حمادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵) برای توضیح بیشتر، به مثال ذیل توجه کنید :

((-- ونداد: "ساقی؟" صدای آشنا و نفرت بارش افکار مبهم را پس زد و ترسی

بسیار را حاکم وجودم کرد. شوکه و مات ثابت مانده بودم؛ شاید این صدای

وحشت بار خواب و خیالی بیش نباشد.... ونداد: "حالت چگونه ساقی؟ خیلی

دل تنگ بودم، حتی نتوانستم باهات خداحافظی کنم." ... - ساقی: "خوبم اگه

دست از سرم بردارین.)) (یهدا، ۱۴۰۱: ۳۶-۳۷-۳۸).

ارتباطات کلامی به طور طبیعی میان دو طرف صورت می گیرند و در محاوره بالا، «ونداد» فرستنده ی پیام و «ساقی» گیرنده ی آن است. اگر به آغاز محاوره نگاه کنیم، متوجه می شویم که فرستنده ی پیام از ساختار نحوی ندایی استفاده می کند. او نام «ساقی» را صدا می زند. این روش در جلب توجه مخاطب و حفظ تداوم ارتباطات مؤثر است. علاوه بر این، فرستنده، جملات احوالپرسی را به کار می برد. یعنی، به اصطلاح ((باب سخن را گشودن)) است. مانند این پاره گفتار، «حالت چگونه ساقی؟» و این جملات معمولاً در کارکرد همدلی نمایان می شود. و در متن محاوره بالا آمد که فرستنده عبارت مؤثر «خیلی دل تنگ بودم» را برای تبیین افسردگی، حزن و ملال به کار می برد و همچنین، کنایه از هوس دیدار کسی یا چیزی را کردن یا در غیاب کسی یا فقدان چیزی تاسف خوردن و سخت مشتاق باز یافتن آن کس یا آن چیز شدن (ر.ک، نجفی، ۱۳۸۷: ۶۷۹). و برای بیان حالت ناراحتی شدید به صفت مبهم «خیلی» بهره می گیرد. در جمله بعد از فعل مرکب «خداحافظی کردن» مدد می جوید و از سوی دیگر، گیرنده ی پیام «ساقی» به ونداد پاسخ می دهد: و از او می خواهد که دیگر در زندگی او دخالت نکند همانطور که این جمله نشان می دهد، «خوبم، اگه دست از سرم بردارین». به معنای ((از سر کسی دست برداشتن)) است (همان منبع: ۶۳۵). این عبارت فعلی وجه التزامی/شرطی دارد، زیرا با عامل التزامی ساز «اگر» همراه است. بدین ترتیب، نقش ترغیبی در محاوره بالا نیز تجلی می یابد، به علت اینکه ((گوینده با مهارت و استادی، سخن را طوری بیان می کند که شنونده را به کاری وادار یا از کاری باز دارد)) (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۰ به نقل از: ابویسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸). و معمولاً ((هدف تحلیل معنایی واژگان و جملات، درک معانی پنهانی است که می توان در زبان نمایش داد و چگونگی استفاده از آن ها در ارتباط بین گوینده و گیرنده را درک کرد)) (عبد العباس، ۲۰۲۴: ۳۹). در کنار این دو نقش، نباید نقش عاطفی در متن محاوره بالا نادیده بگیریم و به دلیل این که «ساقی» در مورد احساسات درونی، تأثیرات و واکنش های خود صحبت می کند. در ذیل، برخی از عبارات و جملات که شاهد بازنمایی این نقش است. مانند: «صدای آشنا و نفرت بار، ترسی، شوکه و مات ثابت مانده بودم، صدای وحشت بار، خواب و خیالی بیش نباشد». همانطور که می دانیم، در سطح گفتمان، بیش از یک نقش زبانی ظاهر می شود، اما ممکن است یکی از آن ها واضح تر و غالب تر بر نقش های دیگر باشد. این کار می تواند هدف و ساختار متن را مشخص کند "در هر ارتباط کلامی اصولاً یکی از کارکردها نسبت به سایر نقش ها برجسته تر است و تسلط بیشتری بر محتوای اثر دارد. باکوبسن به این کارکرد نقش سلطه یا نقش غالب می گوید" (ابویسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۹) بنابراین، می توان گفت، نقش غالب در متن این گفت وگو، نقش همدلی است.

کارکرد ترغیبی:

در جریان ارتباط، هرگاه تمرکز بر مخاطب پیام باشد، کارکرد ترغیبی ظاهر می شود. می توان گفت که هدف هر گونه ی ارتباط، ایجاد واکنش و انگیزش نزد گیرنده است. کارکرد ترغیبی پیام برای رسیدن به چنین مطلوبی دو راه در نظر می گیرد: تحری عقل و تحریک احساسات گیرنده. در سطح نخست، پیام در پی تفاوت های عینی، ذهنی و شناختی برای سازمان دادن به کنش فرد است، ولی در سطح دوم، از طریق رمزگان اجتماعی و زیبایی شناختی و به منظور جلب مشارکت گیرنده، کارکرد ترغیبی را دنبال می کند. بنابراین، این کارکرد نقش مهمی در تبلیغ دارد. بدین ترتیب، محتوای پیام (کارکرد ارجاعی) در برابر علائمی که مقصود از آن ها برانگیختن احساسات مخاطب است رنگ می بازد. این کار از راه شرطی کردن مخاطب به وسیله ی تکرار یا از راه ایجاد واکنش های احساسی ناخودآگاه صورت می پذیرد. بارزترین نمود نقش ترغیبی وجه امری و ندایی است، هر پیامی که مخاطب مدار باشد نقش ترغیبی در آن بیشتر است. وجه امری نیز به همین دلیل در کارکرد ترغیبی مورد توجه قرار می گیرد، زیرا که به دنبال انگیزش در مخاطب است. حال ممکن است فرستنده نه به وسیله ی امر و نهی بلکه از طریق دیگری برای برانگیختن مخاطب استفاده کند؛ خواه از احساس او باشد، چنان که در تبلیغات از گذشته تا کنون بسیاری از این معنا بهره ی مثبت و منفی برده اند، و خواه از عقلانیت او باشد، چنان که غلظت این موضوع در مجالس تعلیم، تربیت، موعظه و خطابه بیشتر بوده و مآلاً کارکرد ترغیبی دامنه دارتر است (ر.ک، طاهری و همکاران،

١٣٩٧: ٢٢٤). استفاده از فنون اقناع و ترغيب در رمان « مشهور » در بسيارى از موقعيت‌ها به وضوح ظاهر مى‌شود، براى نمونه، متن ذيل اين نقطه نظر را روشن خواهد شد:

((سيما: "ساقى؟" نگاهش كردم چينه‌اى ظريف حك شده بر پيشانيش خبر از اندیشه‌اى نو ميداد. - سيما: "هر دو مون ونداد رو مى - شناسيم، کوتاه نمى‌ياد. فقط بايد باهاش صحبت كنى... - ساقى: "نظرت چيه ب... " با وحشت راه يافته به لحنم، سخنش را بريدم. - ساقى: "نه سيما! نه! محاله پام رو تو اون خونه بذارم... حالا چطور ازم ميخواى با حماقت پا به دل خطر بذارم؟" از جا برخاست و از داخل كيفش تلفن همراهش را بيرون كشيد... و با اشاره به تصوير من و ونداد گفت: - سيما: "بين كل فضاى مجازى پر شده از خبر تو و اون مرد. اين فيلم نقطه‌اى اوجت بود. امروز كارگردان باهام تماس گرفت كه چون هنوز قسمت‌هاى چندانى فيلمبردارى نشده مى‌خواد بازىگر اصلى زن رو عوض كنه. يعنى دوباره بايد برگردى به اون انزوا، همين رو مى‌خواى؟" - ساقى: "اما...". به تندى كلامم را بريد. - سيما: "اما و اگر نداره گاهى بايد با ترس‌هاى رو به رو بشى، همين الان آماده مى‌شى مى‌ريم خونه‌اى يزدان نمى‌خوام دوباره با اون حال خراب ببينمت." باز هم آن شب كذايى! پيش از آن كه صحنه‌هايش در ذهنم شكل بگيرند به تندى تماشى را خط زدم و به پا خواستم. سيما جز حقيقت گفته‌اى به لب نمى‌راند. بايد مى‌رفتم و جدا مى‌شدم از تمام آنچه آزارم مى‌بخشيد. ... ساعتى بعد سيما، اتومبيل را برابر خانه‌اى مجلل يزدان متوقف ساخت (يهدا، ١٤٠١: ٥٦-٥٨).

چنان‌كه به نظر ما مى‌رسد، محاوره بالا ميان دو دوست « سيما » و « ساقى » صورت گرفته است. در اين گفت‌وگو فرستنده پيام « سيما » و گيرنده‌اى آن « ساقى » بود. همانطور كه در محاوره مى‌بينيم، « سيما » از يك رو، ايجاد انگيزه تا دوستش بتواند در مورد نگرانى‌هايش موضع قاطعانه‌اى اتخاذ كند و از روى ديگر، به او تشويق مى‌كند تا با « ونداد » صحبت كند و ديگر اجازه نمى‌دهد او در زندگيش دخالت كند. اگر دقت كنيم، مى‌بينيم كه ابتدا فرستنده پيام از ساخت نحوى ندايى استفاده مى‌كند. او منادا « ساقى » را با حذف ادات ندا به كار مى‌برد، براى اينكه توجه گيرنده را به سوى فرستنده جلب نمايد. بدين ترتيب، هم نقش ترغيبى پديد مى‌آيد و هم نقش همدلى، به علت اينكه ايجاد تماس با گيرنده و شروع به محاوره نشان بدهد. سپس، فرستنده پيام، ايده‌اى خود را نمايش مى‌دهد و بعد به هدف اصلى از گفتار منتقل مى‌شود مانند جملات ذيل: ((هر دو مون ونداد رو مى‌شناسيم، کوتاه نمى‌ياد. فقط بايد باهاش صحبت كنى)). در جمله‌اى نخست، فرستنده از صفت مبهم « هر » با همراه صفت شمارشى اصلى « دو » و ضمير پيوسته اول شخص جمع « مون » چون در عاميانه نوشته است، استفاده مى‌كند و در کنار آن، از گزاره‌اى مفعول صريح، گروه اسمى، « ونداد رو » و به جنبه‌اى وجه اخبارى فعل مضارع « مى‌شناسيم » بهره مى‌جويد. بدين ترتيب، فرستنده از يك سو سعى مى‌كند حس هم‌نوايى با گيرنده ايجاد كند و از سوى ديگر، گيرنده را آماده مى‌كند و توجه او را به سمت موضوع مورد نظرش جلب مى‌كند. در اين صورت، نقش همدلى نمايان مى‌شود؛ چرا كه پيام به هدف جلب توجه گيرنده صادر مى‌شود و نيز بر ايجاد تماس با او متمرکز مى‌باشد. پس از اين، گوينده هدف اصلى خود را روشن مى‌كند از طريق كاربرد طرز امرى كه از فعل مركب « صحبت كنى » با همراه عامل التزامى ساز « بايد » تشكيل مى‌شود. بدين ترتيب، نقش ترغيبى پشتباني با وجه امرى ظاهر مى‌شود. به طور كلى مى‌توان گفت، « سيما »، به يكي از ابزارهاى مهم گفتمان توسل شده است، اين ابزار ديالتيك ناميده است. " هدف آن متقاعد كردن گيرندگان براى ايجاد تغيير لازم در جهت‌گيرى‌هاى رفتارى و شناختى آنهاست " (ر.ك، غبان، ٢٠٢١: ١). « ساقى » به شدت اين پيشنهاده را رد كرد، او حتى انجام اين كار را غير ممكن توصيف كرد، به دليل اينكه « ساقى » استفاده از صفت بيانى ساده « محال » به كار مى‌رود علاوه بر، به كاربردن جمله استفهام انكارى « مى‌خواى با حماقت پا به دل خطر بذارم؟ » كه براى بيان استبعاد و متعذربودن است كه « ساقى » مثل چنين امر را كار مى‌كند؛ بلكه به نظرش انجام چنين امر كارى احمقانه محسوب مى‌شود و اگر به معناى عميق اين جمله توجه شويم، درمى‌يابيم كه اين جمله كنايه از كسى كه خود را به تباهى مى‌اندازد يا خود را در معرض خطر قرار مى‌دهد. فعل اين جمله « پا گذاشتن » فعل مركب جداپذير تلقى مى‌شود كه از اسم + همكرد تشكيل مى‌شود. مصدر پا گذاشتن (به / در / توى ...) به معناى، قدم گذاشتن، وارد شدن، آغاز كردن وغيره... به كار مى‌رود (ر.ك. نجفى، ١٣٨٧: ٢١٤). نقش ارجاعى در اين جمله مى‌توان ديد؛ زيرا پيام به سمت موضوع جهت مى‌گيرد. « سيما » نااميد نشد بلكه او اصرار داشت تا دوستش را كمك كند و با تمام توان خود را براى رسيدن به اين هدف بسيج مى‌كند. از اين چشم‌انداز، اقناع و ترغيب، دو مقوله‌اى هستند كه به منظور دانشمندان علوم ارتباطات، نقش بسيار مهمى در ارتباط دارند؛ زيرا كه اگر افراد قانع نشوند، ترغيب نيز صورت نمى‌گيرد. اقناع و ترغيب زمانى صورت مى‌گيرد كه در عملکرد افراد، تغييرى حاصل شود و گفتار و كردار آنان را تحت تأثير قرار دهد (ر.ك. نعمتى و همكار، ١٤٠١: ١٧٨). بنا بر آنچه گفته شد، شايد جملات ذيل منظورمان براى تان روشن كنند: « بين، كل فضاى مجازى پر شده از خبر تو و اون مرد. اين فيلم نقطه‌اى اوجت بود. امروز كارگردان باهام تماس گرفت كه چون هنوز قسمت‌هاى چندانى فيلمبردارى نشده، مى‌خواد بازىگر اصلى زن رو عوض كنه. يعنى دوباره بايد برگردى به اون انزوا، همين رو مى‌خواى؟ » مى‌دانيم كه فعل، مهم‌ترين مقوله‌هاى كلام در نظر گرفته شد كه به انجام دادن كارى يا نسبت دادن امرى به امرى ديگر يا پديد آمدن حالتى در يكي از سه زمان گذشته،

حال، آینده دلالت کند (ر.ک، محمد، ٢٠١٨: ٢٢-٢٣) فرستنده، برای جلب توجه گیرنده‌ی پیام سخن خود به فعل امر «ببین» شروع می‌کند همچنین از فعل گذشته‌ی ساده‌ی نقلی «پر شده» برای نقل وقایع گذشته که گوینده ناظر آن نبوده است بهره‌گیری می‌شود. افزون بر این، در جملات بعد فرستنده برخی از قیدها به کار می‌برد مانند، «امروز» که از گروه‌های قیدی بی‌نشانه/ گروه قیدی مشترک با گروه اسمی که می‌توانند بدون وابسته به کار روند، تلقی می‌شود (ر.ک، کامیار و همکار، ١٣٩٠: ١١٠)، «هنوز» این قید زمان مختص که همواره در نقش‌های غیر قیدی در جمله ظاهر نمی‌شود (ر.گ، وفایی، ١٣٩١: ١٠٨)، «چندانی» این قید مرکب به معنی هر اندازه یا به هر اندازه، به قدر یا به آن قدر یا تا آنجا و غیره... (ر.ک، سلمان، ٢٠١٥: ٥٠٦) و «دوباره» این قید مشترک به شمار می‌رود و از لحاظ مفهوم قید تکرار است (ر.ک، وفایی، ١٣٩١: ١١١) علاوه بر این، فرستنده‌ی پیام وجه التزامی فعل که از عامل التزامی ساز «باید» + «برگرد» به کار می‌برد برای بیان الزام و سرانجام سخنان خود را با این جمله‌ی پرسشی به پایان می‌رساند «همین رو می‌خواهی؟» درواقع این جمله پرسشی برای بیان اغراض ثانویه به کار رفته. از قبیل تنبیه و عبرت یا برای بیان منافات و استبعاد است. از همین رو می‌توان گفت که این جمله جنبه‌ی بلاغی را دارد. در آن لحظه «ساقی» در یافت که باید با ترس‌هایش روبه‌رو شود و هر کاری که برای محافظت از آینده او لازم است انجام دهد. «سیما» به سرعت از فرصت بهره برد و «ساقی» را تشویق نمود تا به خواسته‌اش برسد. در متن محاوره می‌توان دید قیدها مانند: «گاهی» قید مختص یعنی این واژه فقط قید واقع می‌شود، «الآن» قید زمان است و «به تندی» قید مشتق و از لحاظ مفهوم قید کیفیت تلقی می‌شود یعنی برای بیان کیفیت و توضیح دادن چگونگی صورت گرفتن فعل در جمله مثلاً «به تندی کلامم را برید» یعنی به سرعت و بدون درنگ کلامم را قطع کرد. نیز واژه «جز» این قید که از لحاظ مفهوم قید استثنا استفاده می‌کند. و غیره... سرانجام، می‌توان گفت که کارکردهای زبان در حوزه‌های گوناگون به شیوه‌های متفاوت ظاهر می‌شوند. علی‌رغم این تفاوت در برخی از امور نیز کارکردی مشترک دارند و همه برای رسیدن به یک هدف گام برمی‌دارند (ر.ک، مجید، ٢٠١٩: ٤٧٩). کارکرد ترغیبی در متن محاوره بالا، نمود روشنی دارد.

نقش ارجاعی:

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سمت موضوع یا زمینه پیام است. این نقش، «توصیفی و بیانی» نیز نامیده می‌شود. به نظر یاکوبسن، معمول‌ترین کارکردهای زبانی، نقش ارجاعی است که به محیط اطراف گوینده مربوط می‌شود. به طرز عمومی، هر پیامی مرجعی دارد، یعنی به چیزی یا ایده‌ای که بیرون از خودش دلالت می‌کند. بدین ترتیب، بافت یعنی چیزی شبیه به موضوع و مصداق، آن‌چه پیام درباره آن معطوف است، لذا زمانی که فرستنده پیام می‌خواهد موضوع خاصی را توضیح دهد و توجه خواننده را به آن مفهوم خاص جلب نماید از نقش ارجاعی زبان بهره می‌جوید (ر.ک، طاهری و همکاران ١٣٩٧: ٢٢٣). جملات خبری معمولاً از این نوع نقش برخوردارند، به علت اینکه قابل صدق یا کذب باشند. در اینجا مسأله مهم، فرمول‌بندی اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات‌پذیر در باب مرجع پیام، زیرا که این گونه جملات، به علت اخباری بودنشان از راه محیط امکان‌پذیر است. نکته گفتنی است که در کارکرد ارجاعی، سوم شخص نقش بارزی دارد و بارزترین مثال این کارکرد در ساخت‌های اخباری، نمود می‌یابد. (ر.ک، نعمتی ١٤٠١: ١٧٤). به این کارکرد نیز «کارکرد شناختی» یا «کارکرد عینی» هم گفته می‌شود. و پیش از آنکه به سراغ مدل تحلیلی نقش ارجاعی برویم، در اینجا شایسته است به نکته مهمی اشاره کنیم که زبان ارجاعی؛ زبان علمی آفاقی است و معمولاً دور از اغراق و اطناب باشد و سعی می‌کند به حقیقت نزدیک باشد (ر.ک، شمیسا ١٣٩٨: ٢١٣). حالا، لطفاً به نمونه زیر توجه کنید:

((سیما: "ونداد خودش رو همسرت معرفی کرده و وارد محل فیلمبرداری شده." به تندی به اتاق گریم قدم نشاند؛ اما سیما با اشاره به گریم‌ور، دستم را کشید و از در دیگر اتاق وارد تراس شد)). (بهدا، ١٤٠١: ٩١).

در این رمان، موارد زیادی بر بعد زمینه‌ای تاکید دارد. می‌توان گفت در متن بالا تمرکز پیام بر دو موضوع نمود می‌یابد، نخست، حضور ناگهانی «ونداد» سر صحنه فیلم‌برداری و دومی برای حاضران، خود را به عنوان شوهر ساقی معرفی کرد که همین چیزی باعث ترس ساقی شد. در اینجا شاهدی است از بهره‌برداری از جملات خبری. اگر به متن بالا دقت کنیم، متوجه می‌شویم که این دو جمله «ونداد خودش رو همسرت معرفی کرده و وارد محل فیلمبرداری شده» حاوی ضمیر سوم شخص مفرد است. مانند: «ش» در کلمه‌ی «خودش» و شناسه سوم شخص مفرد مانند: «معرفی کرده» و «شده» که درواقع «معرفی کرده است» و «شده است» باشند. و این امر آنچه را که قبلاً ذکر کردیم، تأکید می‌کند که ضمیر سوم شخص در کارکرد ارجاعی نقش بارزی دارد. همچنان، نقش‌نما پیوند همپایگی میان این دو جمله را با حرف ربط «و» برقرار می‌سازد. این پیوند همپایگی بین جملات همپایه می‌آید یعنی هیچ یک از جملات جزئی از جمله دیگر نیست (ر.ک، کامیار و همکار ١٣٩٠: ١١٤) و با هم معنا را برای گیرنده نمایان می‌سازد. علاوه بر این، اگر زمان افعال دو جمله را ملاحظه کنیم، می‌بینیم که این دو فعل در زمان گذشته‌ی ساده‌ی نقلی است که یکی از کاربردهای آن ((بیان عملی که در گذشته انجام گرفته و اکنون نتیجه آن مورد نظر است)) (همان منبع: ٤٢). یعنی این به این معنی بود که وقتی سیما با ساقی صحبت می‌کرد، «ونداد» هنوز در محل فیلم‌برداری بوده و هدف جمله دادن اطلاعات در مورد یک موضوع خاص است. نیز بهره‌گیری از واژه‌های روشن و خالی از ابهام که در کنار هم در جمله‌ها نشسته اند، معانی جملات میسر می‌سازد. لازم به ذکر است که جمله‌های

مورد نظر صادقند. اين چيزی است که جملات خبری را از جملات ديگر متمايز می کند. از آنچه تا کنون گفته ايم، تلويحاً چنين برمی آيد که نقش زبان در اين متن، بر مؤلفه های زمينه و موضوع متن متمرکز است و نقش زبان در اين کارکرد ارجاعی، مصداق روشنی دارد.

کارکرد فرازبانی:

در اين نقش، پيام به سوی رمزگان جهت می گيرد و در روزمره ي انسان نيز جايگاه ويژه ای دارد. هدف اين کارکرد روشن کردن معنای نشانه هایي است که ممکن است دريافت کننده نفهميده باشد. انتخاب رسانه نيز به اين کارکرد مربوط می شود، زيرا که کادر يک تابلو يا طرح جلد يک کتاب ماهيت رمزگان آن را به نمايش می گذارد، چون که اساساً عنوان يک اثر هنري نيز بيش تر معطوف به رمزگان آن است تا محتوای پيام (همان). زمانی که فرستنده بخواهد از مشترک بودن رمزگان اطمینان حاصل کند، در پيام خود به سوی رمزگان جهت می گيرد و کارکرد فرازبانی را برجسته می کند (ر.ک، طاهري و همکاران، ١٣٩٧: ٢٢٥). از اين رهگذر، در آثار نمادين و رمزی، معمولاً کاربرد اين نقش ضروری می نمايد؛ زيرا در اين صورت ها پيام نهفته به سوی رمزگان است و زبان، نقش فرازبانی دارد. تمرکز پيام اغلب در واژه های رمزی است. گونه های نمادها، استعاره ها و سمبل ها هم می توانند پديدآورنده ي نقش مزبور باشند. گاهی تمثيل ها نيز به عنوان رمز تلقی می شود. مثلاً، در برخی از داستان ها، هدف اصلی گوینده در آن به طور واضح بيان نشده است زيرا معانی عميق آن در لایه های پنهان واژگان پيچيده شده است و دستيابی به مفاهيم چندان آسانی نيست (ر.ک، ابوسانی و همکاران، ١٣٩٩: ٤١). بنا بر آنچه که گفتيم، کارکرد فرازبانی، کارکرد توصيف کننده نيز ناميده می شود. ((گاهی اين کارکرد در ميان مخاطبان در سطح گفتمان ظاهر می شود زمانی که نياز به اطمینان باشد برای استفاده ي درست از قانون و کدها؛ چون گفتمان بر کدها متمرکز است، زيرا که کارکرد تبیین و تفسير را بر عهده دارد)) (ر.ک، حمادی و همکاران، ١٤٠٠: ٥١). بنا بر اين، کارکرد فرازبانی در کودکان يا کسانی که در حال يادگيري زبان هستند بيش تر به چشم می خورد، به علت اينکه پرسش درباره ي واژگان نزد آن ها بيش تر از سايرين است و نقش فرازبانی را در پيام های خود بيش تر نمود می بخشد (ر.ک، طاهري و همکاران، ١٣٩٧: ٢٢٥). در رمان مشهور، نويسنده برای خوانندگانش به توسط شخصيت های رمان نشانه ها را توضيح می دهد. ممکن است نمونه زير مؤيد اين مطلب باشد:

((به محض ورود، نگاهم بر آن مجسمه ي کوچکی نشست که برای تولد يزدان هديه اش کرده بودم. يک زوج که نشسته بر قايقی ميان امواج مصنوعی در حرکت بودند)) (پهدا، ١٤٠١: ٦٣).

در متن بالا، «ساقی» آنچه را که در خانه ي «يزدان» ديده است، شرح می دهد. اولين عبارتی که توجه ما را به آن جلب می کند، اين است: ((به محض ورود)). اين پاره گفتار گروه قیدی از حرف اضافه «به» + اسم «محض» تشکيل می شود. گروه قیدی جنبه ي توضيحي دارد و در متن بالا توجه مخاطب را به آنچه در ادامه می آيد جلب می کند. در جمله بعدی، ترکيب وصفی ((مجسمه ي کوچکی)) به چيزی با ارزش برای گوینده نشان می دهد که کسی جز گوینده از آن آگاه نيست. اين ترکيب وصفی از واژگان زير تشکيل می شود: «مجسمه ي -» اين اسم با همراه «ی» ميانجی تا مانع از هم نشين دو واکه است و «-» کسره ي اضافه. «کوچکی» اين واژه، صفت است و «ی» اين پسوند، به تعداد اسم و صفت متصل می شود و کلمات تصغير (تحبیب يا تحقير) می سازد (ر.ک، سلمان، ٢٠١٥: ٤٠٠). يک بار ديگر به آنچه در سطور گذشته بازگرديم، نويسنده، برای توصيف وقايع و رويدادها که در گذشته اتفاق افتاده است از زمان فعل گذشته ي بعيد استفاده کرد. مانند، «کرده بودم». حال اين نکته که روشن شد، می توان گفت، اين ترکيب به عنوان رمز مطرح می شود که شايد اشاره به دوستی عميق بين ساقی و يزدان باشد و اين دو جمله، «که برای تولد يزدان هديه اش کرده بودم» و «يک زوج که نشسته بر قايقی ميان امواج مصنوعی در حرکت بودند» به عنوان رمزگشایی می شود، زيرا که جزئیات آن مجسمه را بيان می کنند و مجسمه مناسب اهدای آن را توضيح می دهد. سرانجام، نقش زبان در اين کارکرد تفسير و تأويل رمز را برعهده دارد. بدین ترتیب، نقش فرازبانی در متن فوق ظاهر می شود.

نتيجه گیری

از منظور رومن ياکوبسن، پيام موضوع اصلی ارتباط به حساب می آيد. وی معتقد است که هر يک از عوامل تأثيرگذار در کنش ارتباطی، می تواند به ظهور نقش ها و کارکردهای زبانی ششگانه عاطفی، ترغيبی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی، و ادبی بينجامد. با تکیه بر رمان «مشهور» و بررسی شخصيت های رمان بر طبق نظريه ارتباطات کلامی ياکوبسن به اين نتايج رسيديم:

- با بررسی و تحليل ارتباطات کلامی ميان شخصيت های رمان و تطبيق آن بر اساس نظريه ارتباطات کلامی ياکوبسن، حضور قوی همه نقش های کلامی را می توان تشخيص داد و تجزيه و تحليل کرد و گاهی تداخل نقش ها را می توان مشاهده کرد.
- با توجه به موضوع اصلی رمان و اتفاقات گوناگون که قهرمان رمان پشت سر گذاشت ويژگی عاطفی و اجتماعی در سخنان شخصيات و جهت دار بودن پيام به سوی فرستنده و موضوع با ويژگی قابل صدق و کذب بودن پاره گفتارها از ميان نقش های ششگانه ي زبان، بسامد نقش عاطفی و ارجاعی زبان نسبت به ساير نقش های زبانی در ارتباطات کلامی شخصيات پررنگ تر است.
- نقش عاطفی و نقش ادبی در متون ارتباطات کلامی بين شخصيات رمان نقش های غالب هستند.

منابع فارسی

- باقری، مهري . (١٣٨٨). ((مقدمات زبانشناسی)). چاپ دوازدهم، نشر قطره، تهران.
 - دهخدا، علی اکبر. (١٣٥٣). ((لغت نامه)). انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان.
 - دهخدا، علی اکبر. (١٣٨٥). ((لغت نامه)). فرهنگ متوسط دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 - شمیسا، سیروس. (١٣٩٥). ((نگاه تازه به بدیع)). چاپ ششم از ویراست سوم، بهار، تهران: میترا.
 - شمیسا، سیروس. (١٣٩٨). معانی، چاپ پنجم از ویراست دوم: بهار، تهران: میترا.
 - طبیب زاده، امید. (١٣٩٣). دستور زبان فارسی بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی. چاپ دوم، تهران.
 - قویمی، مهوش. (١٣٨٣). آوا والقا رهیافتی به شعر اخوان ثالث، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران.
 - کامیار، تقی وحیدیان و غلامرضا عمرانی. (١٣٩٠). دستور زبان فارسی، چاپ سیزدهم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
 - نجفی، ابوالحسن. (١٣٨٤). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ نهم: تابستان، انتشارات نیلوفر، تهران.
 - نجفی، ابوالحسن. (١٣٨٧). فرهنگ فارسی عامیانه. چاپ دوم، تابستان، انتشارات نیلوفر، تهران.
 - وفایی، عباسعلی. (١٣٩١). دستور زبان فارسی (با اصلاحات). چاپ دوم، بهار، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
 - یهدا، یگانه رضایی. (١٤٠١). رمان مشهور انجمن رمان نویسی رمان بوک.
- مقاله‌ها، تحقیقات و مجله‌ها**
- ابویسانی، زهرا، بتول فخراسلام، پروین دخت مشهور و مهدی نوروز. (١٣٩٩). ((بررسی نقش‌های زبانی داستان «اردشیر و هفتواد» از شاهنامه فردوسی (با رویکرد تمثیلی و بر پایه نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن)) فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بوشهر، شماره چهل و سوم- بهار، از صفحه ٣٥ تا ٥٨.
 - حمیرانی، منصور و سید محمدشریف هاشمی. (٢٠٢٤). ((تحلیل زبان‌شناختی سورة نازعات با تکیه بر الگوی ارتباطی رومن یا کوبسن)). قرآنیکا، مجله عالمیه لبحوث القرآن، مرکز بحوث القرآن، جامعه ملایا، مالیزیا، عدد خاص (١١)، ابریل. ص ٨١- ١٠٩.
 - سلمان، نهله داود. (٢٠٢٣). ((شخصیات مسرحیه افول لاکبر رادی وفقاً لنظریه (فیلیب هامون) دراسه سیمیائیه دلایه)). مجله الجامعه العراقیه، العدد (٣/٦١)، آب.
 - برکاتی، سیده آیدا، حانیه سادات زنده باد و محمدمنصور فلامکی. (١٤٠١). ((بازخوانی نشانه‌های زبان ارتباطی بخشی کتیبه عمارت قلم‌فرسا در شیراز از منظر نظریه ارتباطی یا کوبسن)). فصلنامه پازند، سال ١٦، شماره ٦٠، پاییز.
 - طاهری، عباس ناصری، سید بشیر حسینی و مسعود وثوقی. (١٣٩٧). ((ارجاعات شخصیت‌های فیلم‌ها و برنامه‌های مستند اجتماعی در رمزگان امر به معروف و نهی از منکر رسانه‌ای)). رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در فصل‌نامه علمی - پژوهشی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ٢١٣- ٢٣٩.
 - عبد العباس، عمر امین. (٢٠٢٤). ((تحلیل معناشناختی فعل ساده، مرکب و عبارت فعلی در رمان نیسته‌های مکرر اثر ساحل بهنامی)). مجله الترجمة و اللسانیات، العدد ٢٥، حزیران.
 - قاسمی، شهین. (١٤٠٠). ((شیوه‌های ترغیب در غزلیات عطار باتکیه بر نظریه «فرایند ارتباط کلامی» رومن یا کوبسن)). نشریه علمی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سیزدهم، شماره پنجاهم، تابستان، ص ٨٥- ٣١.
 - مجید، انور عباس. (٢٠١٩). ((بازی‌های زبانی در رمان «کافه پیانو» فرهاد جعفری)). مجله الآداب/ العدد ١٣٠ آیلول.
 - محمد، عقیل عبد الحسین. (٢٠١٨). ((نقش سیمیایی و معنایی واج در زبان فارسی تحلیل قصیده‌بی از مولانا به عنوان نمونه‌ی)). مجله الآداب/ ملحق (٢) العدد ١٢٧ (کانون الاول).
 - محمد، عقیل عبد الحسین. (٢٠١٨). ((بررسی حرکت‌شناختی افعال متن «ما ز بالا ییم و بالا می رویم» مولانا)). مجله کلیه اللغات، جامعه بغداد، العدد ٣٨.
 - ملک، ماجد چاسب. (٢٠٢٤). انسجام واژگانی در رمان «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی. مجله الترجمة و اللسانیات، العدد ٢٥، حزیران.
 - نعمتی، فاروق و بهنام فعلی. (١٤٠١). ((شیوه‌های ارتباط کلامی پیامبران (ع) در سورة مبارکه غافر بر اساس الگوی ارتباط کلامی یا کوبسن)). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه مطالعات سبک‌شناسی در قرآن کریم، مقاله علمی- پژوهشی، صص ١٦٦- ١٨٧، سال ششم، شماره دوم، پیاپی: ١١، پاییز و زمستان.
 - نوروزی، زینب. (١٣٩١). ((بررسی شعر نظامی بر اساس نظریه ارتباطی یا کوبسن)). فصلنامه علمی- پژوهشی، "پژوهش زبان و ادبیات فارسی" شماره بیست و چهارم، بهار: ٣٩- ٢٥.

- سلمان، نهله داود. (٢٠١٥). ساخت واژه در زبان فارسی (بررسی تصريفی)، رساله دكتوراه، جامعه بغداد، قسم اللغة الفارسيه، كليه اللغات، جامعه بغداد.

- حمادي، عبد العزيز، محمد جواد پور عابد و رسول بلاوي. (١٤٠٠). ((بنيه التعبير في روايه عازف الغيوم لعلی بدر في ضوء نظريه التواصل اللغوي لجاكوبسون)). بحوث في اللغة العربيه نصف سنويه علميه محكمه دانشكده زبانها در دانشگاه اصفهان، شماره ٢٥، پاييز و زمستان، ص ٤٢-٥٨.
- حيدر، نبيهه خالد و عبدالله تيسير الشديقات. (٢٠٢٢). ((تحليل الخطاب النبوي الشريف في ضوء النظرية التواصلية عند جاكوبسون)). مجله العلوم الانسانيه و الطبيعیه، المجلد ٤، العدد ٢، فيراير.
- ذبحاوي، علی جواد و بشرى محمد طه البشير. (٢٠١٨). ((نظريه التواصل اللساني، المفهوم والرؤية)). مجله كليه التربيه للعلوم التربويه والانسانيه/ جامعه بابل، العدد/١٨، نيسان.
- الركيك، محند. (٢٠٠٥). نظريه التواصل في ضوء اللسانيات الحديثه، مجله علامات، المجلد ٢٠٠٥، العدد ٢٤ (٣٠ يونيو/ حزيران. ١٠ ص، المغرب.
- زيان، ليلي. (٢٠١٦). عمليه التواصل اللغوي عند رومان جاكوبسون. المجله العربيه للعلوم و نشر الأبحاث، المجلد الثاني - العدد (١): ١٥- مارس.
- غبان، مريم ابراهيم علي. (٢٠٢١). ((التواصل الحجاجي في "روضة المحبين و نزهة المشتاقين" لابن القيم: المقومات و آليات الاشتغال)). مجله كليه التربيه للبنات، العدد الثالث من المجلد (٣٢).
- القاسم، فلاني محمد. (٢٠٢١). اللغة و علاقتها بالتواصل اللساني، مجله المخبر أبحاث في اللغة و الادب الجزائري، المجلد ١٧/شماره ١، ص ٤٠-٥٦.

Persian References et. al.

- AbaviSani', Zahra, Batool FakhrEslam, ParvinDokht Mashhoor and Mahdi Nowrooz. (1399 A.H.S). *Investigating the linguistic roles of Ardeshtir's story and Haftdad Shahnameh (With an allegorical approach based on Jacobson's verbal communication theory*, Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature, Vol. 12/ No. 43/ Spring, Islamic Azad University Bushehr Branch IRAN.
- Abdul Abbas, Omar Amin and Ruaa Jassim Washi. (2024). *Semantic Analysis of Simple Compound Verb and Subordinate Clause in the Novel "Nisthaya Mokrar" by Sahel Behnami*, Journal of Translation and Linguistics, Issue 25, June.
- Alqasim, Foulani Mohammed. (2021). *Language and its relationship to communication*, Al-Mokhber Magazine: Research in Algerian Language and Literature, Volume17, No.1, (40-56).
- Al-Rakik, Mohaned. (2005). *Communication theory in the light of modern linguistics*, Alamat Journal, Morocco, Volume2005, No 24, (30th June),
- Al-Thabhwai, Ali Jawad and Bushra Mohammed Taha Al-Bashir. (2018). *Theory of linguistic communication, concept and vision*, Journal of the College of Basic Education for Educational and Human Sciences, University of Babylon, No 38. April.
- Bagheri, Mehri. (1389 A.H.S). *Mokedmat Zbanshnacy*. 12th edition, Tehran, Qatra.
- Barekati, Seyda Aida, Hanyasadat ZindaBad and Mansour Falamaki. (1401 A.H.S). *Rereading the linguistic signs of communication in part of the inscription of the Qalamfarsa Mansion in Shiraz from the perspective of Jacobsen's communication theory*, Paznd Quarterly Magazine, year16, No, 60, Autumn.
- Dehkhoda, Ali Akber. (1353 A.H.S). *Loghetnamme*. edition and publication University of Tehran.
- Dehkhoda, Ali Akber. (1385 A.H.S). *Dictionary Ferhang Mwotavst Dehkhoda*,. edition and publication Institute, university of Tehran.
- Ghaban, Maryam Ibrahim Ali. (2021). *Pilgrimage communication in "Rwozt Al mohibeen va Nozhat Al Moshtaqeen" by Ibn al-Qayyim: components and mechanisms of work*, the College of Education for Girls, Journal, University of Baghdad, Volume 32, Issue 3.
- Haidara, Nabihah Khaled and Abdullah, Tayseer Shadifat. (2023). *Analyzing The Noble Prophets Discourse In The Light Of Jacobsons communicative Theory*, Humanities & Natural Sciences Journal, HNSJ Volume 4. Issue 2.
- Hammadi, Abedalaziz, Mohammad Javad Pourabed and Rasoul Balavi.(1400 A.H.S). *The Structure of Expression in Ali Badr's Novel the Musician of the Clouds Based on the Linguistic Communication Theory of Jacobson*, Journal of Research in Arabic Language, Vol. 13, Issue 2, No.25, Autumn & Winter, University of Isfahan.

- Homirany, Mansor and Seyed Mohammad Sharif Hashemi. (2024). *A Linguistic Analysis of Surah Al-Nazi'at Based on Roman Jakobson's Model of Communication*, Quranica international journal, Quran research. Center, No. (11)/ April, (81-109), University of Malaya, Malaysia.
- Kamyar, Taghi Vahidian , Gholam Reza Omrani. (1390 A.H.S). *Dostor Zban Farsi*, 13th edition, Organization for Humanities Studies, Universities, Samit, Tehran.
- Majeed, Anwar Abbas. (2019). *Language games in the Novel "Piano Cafe" by Far had Jafri*), University of Baghdad, Journal of Literature, Issue 130, September.
- Malak, Majid Chasb. (2024). *Lexical coherence in the novel shohar Ahu khanom" by Ali Mohammad Afghan*, Journal of Translation and Linguistics, Issue 25, June.
- Mohammed, Aqeel Abdulhussein. (2018). *The semiotic and semantic role of phonemes in Persian: Analysis of Rumi's poem as an example*, University of Baghdad, Journal of Literature, appendix 2, issue127, December.
- Mohammed, Aqeel Abdulhussein. (2018). *Kinetic Study of Mewlana Jalaluddin Rumi's "Mazi Balaeem we Bala Mi Roeem" Text's Verbs*, journal of the College of languages, University of Baghdad, No.(38), (18-39).
- Najafi, Abolhasan. (1387 A.H.S). *Persian colloquial dictionary*, 2nd edition, Summer, Nilouvar Publications, Tehran.
- Najafi, Abolhasan. (1384 A.H.S). *Fundamentals of linguistics and its application in Persian language*, 9th edition, Summer, Nilouvar Publications, Tehran.
- Nemati, Farooq and Behnam Feali. (1401 A.H.S). *Stylistics of the verbal communication of the Prophets (PBUH) in the Holy Quran based on Jacobson's verbal communication model*, Humanities Research Institute for Cultural Studies, Comprehensive Humanities Portal Quarterly Journal of Stylistic Studies in the Holy Quran Research, sixth year, second consecutive issue: 11, fall and winter, (66-187)
- Nowruz, Zeinab. (1391 A.H.S). *Studying the Nizami's Poetry Based on Jakobsen's Communication Theory*, Persian Language and Literature Research, Quarterly scientific research journal, Issue 24, Spring. (25-39)
- Qassmi, Shahin. (1400 A.H.S). *Methods of Persuasion in Attar's Ghazaliat Based on Roman Jakobson's Theory of Verbal Communication Process*, Scientific Journal of Educational Literature Research, year 13, Issue 50, Summer, (31-58).
- Qweme, mohawash. (1383 A.H.S). *Voice and Inspiration: An Approach to the Poetry of khwan thalith*, 1st edition, Hermes publications, Tehran.
- Salman, Nahlah Daood and Haider Ahmed Abdel Hamid. (2023). *The Characters of the Play (oful) by Akbar Rady According to the Theory of (Philip Hamon) A Semiotic-Semantic Study*, No,(3/61), August, Journal of The Iraqia University Scientific, Research and Studies Center.
- Salman, Nahlah Daood. (2015). *Word structure in Persian Language (morphological study)*, PhD thesis, University of Baghdad, Department of Persian Language, College of Languages.
- Shamisa, Sirous. (1395 A.H.S). *Figures OF Speech A New Outline*, 6th edition, Spring, Tehran: Mitra.
- Shamisa, Sirous. (1398 A.H.S). *Rhetorics based on Persian literature*, 5th edition, Spring, Tehran: Mitra.
- Tabibzadeh, Omid. (1393 A.H.S). *Persian Grammar a Theory of Autonomous Phrases Based on Dependency Grammar*, 2nd edition, Tehran, Iran.
- Taheri, Abbas Nasser, Seyed Bashir Hosseini and Masoud Wthaqqi. (1397 A.H.S). *References to characters in social documentary films and programs in the media code of promoting good and forbidding evil*, Media and Culture, Humanities Research Institute and Cultural Studies, scientific research quarterly journal, year 8, Issue 2, Fall and Winter.
- vafaei, Abbasali, (1391 A.H.S). *Persian grammar with idioms*, 2nd edition Spring of the Humanities Books Studies and Compilation Organization, Samt University.
- Yehda, Yegane Rezaei, (1401 A.H.S). *Mashhur*, Anjomn Novel Writing Novel Book.
- Zian, Laila. (2016). *The process of linguistic communication according to Roman Jakobson*, Arabia Journal of Science and Research Publishing, Volume 2, No (1): 15th March.